

# تاریخ موسیقی رادیو

بین سال‌های ۱۳۲۶ تا ۱۳۲۹

(قسمت دوم)

● موشگ جاوید



سال ۱۳۲۹ با روی آمدن دولت علی منصور آغاز شد، یکی از نزدیکان قوام که طرفدار آمریکا هم بود در کابینه او به وزارت پست و تلگراف رسید، سید جلال تهرانی که به تبلیغات نظر خاصی داشت و چه در سیاست و چه در فرهنگ دست به کارهای تبلیغاتی عجیبی می‌زد، در ادامه طرح‌های شاعرخ، راه‌اندازی برنامه‌ای به زبان کردی را برعهده ابراهیم سپهری گذاشت که مجدداً بر سر کار آمده بود. مردم که در مراسم نمایشی پاگرداندن مومیایی رضاشاه با اعمال رزم‌آرا مشوجه تزلزل در ارکان حکومت شده بودند، می‌دانستند که این کابینه بیش از چهار ماه دوام نخواهد آورد. در طول این مدت کوتاه، اتفاقات جالبی برای رادیو و موسیقی آن افتاد؛ هرج و مرج دامنگیر موسیقی در بیرون، به رادیو رسید، عده‌ای سعی داشتند هر چه را که در کافه‌ها به اجرا درمی‌آمد به رادیو هم وارد کنند که دست پنهان دربار، این کار را هدایت می‌کرد. موسیقی جاز (جنر) که پس از خوابیدن آتش جنگ به سبب نشاط درونی آن در اروپا مد شده بود، در اواخر سال ۱۳۲۸ به کافه‌های ایران آمد. ضرباهنگ‌های این موسیقی جدید، گویایی خاصی داشت که به هتل‌ها هم کشیده شد و باعث رقابت هتل‌داران گردید. آنان برای اینکه اصل این نوع موسیقی را در برابر مشتریان خود قرار دهند، از نوازنده‌های خارجی، به ویژه هنرمندان موسیقی شوروی سلیق و یا اروپایی شرقی، استفاده می‌نمودند.

برخی از موسیقی‌وزران ایرانی که جذب این موسیقی شده بودند به آن روی خوش نشان داده، ترکیب‌های عجیب و غریبی از سازها به نام موسیقی ایرانی بلدی می‌آوردند که می‌توان در مورد هر اثر به جا مانده از آن دوره و از این نوع، چندین صفحه مدحت نوشت.

این بی‌برنامگی و هرج و مرج بدان خاطر بود که در هنرستان موسیقی کشور، جدال‌ها هنوز ادامه داشت و رفتن محمود و کتلی و زیری، کار رایج نوعی سیاست‌بازی هنری کشیده بود. خالقین در بیرون دست به تأسیس هنرستان موسیقی ملی زدند که در این سال نخستین دوره خود را به پایان می‌برد. از سوی دیگر در هنرستان موسیقی این نگرانی وجود داشت که دانشجویان موسیقی سنتی هنرستان، هنوز هم کینه پرویز محمود را به خاطر عزل کتلی و زیری و برهم‌زدن همه روش‌های او، در دل داشتند.

این خطر وجود داشت که با رفتن محمود، آنها اوضاع را برهم زده، سیاست اداره هنرستان را به نفع خود تغییر دهند، ولی حضور زویسک در مقام ریاست، همه این نگرانی‌ها را رفع می‌کرد (زاهدی، ۱۳۶۹: ۱۱۱).

تأثیرات ورود فرهنگ و سیستم‌های خارجی به ایران در همه زمینه‌ها شتاب یافته بود، به همین سبب ارتقا تجهیزات فنی رادیو در دستور کار قرار گرفت. همزمان با آن و پس از آنکه خاتم گردیدی - سرپرست امور رادیویی اتحادیه کلوب زنان آمریکا - طرح کار با دستگاه‌های جدید ضبط صوت را آموزش داده، نخستین دستگاه هنرستان و اداره موسیقی کشور به راه افتاد. آمدن دستگاه‌های ضبط جدید، با حضور موسیقی جدید مقارن شد؛ هتل‌های درجه یک، نوازنده و خواننده با دستمزد کم وارد کردند و تصمیم بر آنجا، حضور آنها در ایران در تاریخ ۵ بهمن ۱۳۲۸، در کمپسونی که در شهرتانی کل کشور تشکیل شده بود، گرفته شد. بهانه هتل‌داران جلب توجه خارجیانی بود که برای انجام کارهای سیاسی و سیاحت به ایران وارد می‌شدند، ولی در عمل، ایرانیان مشتری پر و پاقرص این موسیقی‌ها شده بودند.

در نیمه‌های خرداد بود که وزیر کشور - امان‌الله اردلان - طی

نامه‌ای محرم‌نامه مبنی بر پخش برنامه‌های تبلیغی ضد ایران از سوی دولت شوروی از فرستنده‌های تاشکند و عشق‌آباد در محدوده گرگان و گنبد، به نخست‌وزیر اطلاع داد که برای جلوگیری از این تخریب همان‌گونه که برنامه‌ای به زبان کردی در رادپو به راه افتاده، برنامه‌ای به زبان ترکمنی هم در نظر گرفته شده و نخست‌وزیر - منصور - که روزهای آخر کابینه‌اش را می‌گذراند، در تأیید و تأکید بر این مسئله در نامه شماره ۷۴۶۲ مورخ ۲۸ خرداد ۱۳۲۹ به اداره کل انتشارات و رادپو چنین نوشت: «مقتضی است نظر وزارت کشور را به مورد اجرا بگذارد».

«متأسفانه حوادث ناگوار ۱۳۲۰ (منظور روی کار آمدن وزیر است) همان‌طور که اصلاحات را در تمام شئون کشور متوقف ساخت، طبعاً نقشه‌ای را هم که برای آینده موسیقی ایران در نظر گرفته شده بود در یوته نسپان گذارد... از کستر سفونیک تهران جریان امر را طی گزارش‌های متعدد به اطلاع جناب آقای هزیر - وزیر دربار وقت - و بعداً به عرض جناب آقای حکیمی رسانیده، تقاضای بدل توجه و مساعدت مالی نموده که متأسفانه به نتیجه‌ای نرسید».

این دستور زمانی نوشته شد که سر و صدای ترور احمد دهلان - ناظم هنرستان هنریشگی ایران - توسط حسن جعفری که بنا به نوشته‌های پرویز خطیبی به دستور رزم‌آرا صورت گرفته بود، فروکش نکرده بود؛ زیرا رزم‌آرا می‌دانست دهلان می‌تواند با چند مقاله دست او را در برابر دولت و مردم رو کند. (خطیبی، ۳۷)

اما علت استقبال از موسیقی هتلی در آن سال‌ها این بود که ترکیب طبقاتی ایران که نا شروع دوره پهلوی به دو صورت خاصه و عاصه مشخص بود، به هم ریخته بوده کشاورزان به‌ویژه آفتاب‌نشین‌ها جهت کار روانه شهرها شده تا کارگر یافته بودند، گسترش روش آموزش و ارتباطات و تبلیغات با گرایش به سوی غرب شکل یافته بود، روشنفکران در قالب احزاب شرقی و غربی به نمایندگی از افکار نوین جامعه ادعای مالکیت فرهنگی می‌کردند و تبدیل به طوطی‌صفتی شده بودند که هر چه استادان غربی می‌گفتند، تکرار می‌کردند.

فرهنگ اقتباس در این دوره در ادبیات، نمایش و موسیقی رایج شده بود و در شکوفایی خاصی که هیچ رهنمودی جز تقلید از غرب و کشاندن جامعه به سوی نوعی بی‌بند و باری نداشت، چنانی خود را در جامعه فرهنگی باز کرده بود و تأثیرات خاصی در جهت گمراه‌شدن ذهن جامعه به‌طور عام داشت و این آغاز ابتلال بود. به همین سبب سال ۱۳۲۹ هنوز به نیمه نرسیده بود که اولین واکنش‌ها از سوی رئیس هیئت مدیره اتحادیه موسیقی‌دانان ایران یعنی رویگ گریگوریان، درباره مسئله کسب درآمد رخ نمود. موضوع بدین قرار بود که نوازنده‌های اروپایی در هتل‌ها و کافه‌ها به دلیل خیرگی، درآمد خوبی داشتند و ارکستر سمفونیک که از همان موسیقی‌وران کافه‌ها، آن‌هم به زور تشکیل شده بود، به این رواج و کسب‌آوری بازار کار خود معترض بودند، ضمن آنکه حسادت هم مزید بر علت شده بود و دولت نیز برخلاف گذشته هیچ حمایت مالی از آنان نمی‌کرد.

گریگوریان در نامه مورخ ۲ مرداد ۱۳۲۹، که به نخست‌وزیر - رزم‌آرا - نوشت، مسئله را متذکر شد، ولی فضای نامه نشان می‌داد که هنوز غرض‌ها را دور نریخته و وفادار به محمود و ایده‌های اوست. در نامه او چنین آمده:



وزیری

«چنانکه مسلماً خاطر شریف جنابعالی متبوق است در کشورهای خارج، از ارکستر سمفونیک متعدد به عنوان مختلف، تحت حمایت و با بودجه‌های سلطنتی و شهرداری‌ها و ادارات تبلیغاتی و تفریحی اداره می‌شود و مثلاً در کشور همسایه ما ترکیه، تنها در شهر آنکارا سه ارکستر دولتی به نام ارکستر ریاست جمهوری، ارکستر امپراتور و ارکستر دولتی وجود دارد و تصدیق می‌فرمایند که با این ترتیب هنرمندان و هنردوستان جوان با دلگرمی و اعتماد به آینده خود، بیش از پیش در راه ترقی و تکمیل هنر و معلومات خواهند گوشید».

او در پایان نامه اعلام می‌کند که پس از مطالعات و بررسی لازم به این نتیجه رسیده‌اند که اگر برای ۵۳ نفر از اعضای ارکستر مبلغ ۱۰۰۰۰۰ ریال حقوق ماهیانه لحاظ شود، ارکستر می‌تواند موجودیت





نوابی

بودجه موسیقی رادیو اضافه شود، در درجه اول از ارکستر سمفونیک استفاده خواهد شد.

در همین حین دادجو - رئیس حسابداری - طی نامه‌ای که در تاریخ ۱۲ مرداد ۱۳۲۹ به سپهری - کلیل اداره انتشارات و تبلیغات - نوشته بود، درخواست پرداخت حق الزحمه ۱۴ نفر عضو برنامه تازه تأسیس کردی را که شاعرخ برنامه آن را طرح و پیشنهاد کرده بود، نمود و اذعان داشت که حقوق این افراد پرداخت نشده است. سپهری نیز طی نامه شماره ۱۳۲۸۹۲۲۸۵/۱ مورخ ۲۹ مرداد ۱۳۲۹ به نخست‌وزیر اطلاع داد که:

«... حقوق این آقایان در بودجه اضافی پیشنهادی اداره کل تبلیغات منظور گردید و مورد موافقت مجلس شورای ملی واقع نشد (در ادامه تضرع واز و ناله‌کنان به شیوه اداری نان به گدایی طلب می‌کنند) اکنون این اشخاص از ابتدای سال تاکنون مرتباً مشغول انجام وظیفه می‌باشند ولی به قسمی که خاطر محترم آگاه است در بودجه دیناری پرداخت مسترد به این عده و سایر کارمندان پلان کلیف که به خدمت عده‌ای از آنها نیز خاتمه داده شده، موجود نیست...»

نخست‌وزیر نیز مسئله را چنین پاسخ می‌دهد: «به عرض می‌رسد به طوری که استحصال دارند اعتبار دولت محلی برای این قبیل مصارف ندارد.»

اما بعد که مسئله را با شاه و درباریان مطرح می‌سازد، طبق نظر دربار چنین می‌نویسد: «در سازمان جدید پیشی نمایند.»

از این پاسخ مشخص است که در هر دوره برنامه‌های گروه تبلیغی به طور کلی بی اعتبار و مردود می‌شده و چون بهرام شاعرخ همزمان با پیشنهادش در دی ۱۳۲۸ برنامه کردی رای راه انداخته بود، باز نشان داده است که مدیران برحسب قدرت و میزان قاطعیت ذاتی خود عمل می‌نموده‌اند نه براساس مصوبات اداری که می‌تواند همه چیز را در سیستم رسانه منظم نماید. نداشتن بودجه یا کافی نبودن آن حرفی نبود که هنرستان موسیقی کشور را راضی کند. آنان می‌دانستند که به هر حیل و به هر چه پیدا نمایند تا به مقصود خود دست یابند، گریگوریان بار دیگر طی نامه محرمانه‌ای که در تاریخ ۱۹ شهریور ۱۳۲۹ برای رزم آرا می‌نویسد،

ملغی می‌گند به هنرناخ ممکن، اولیاء، امور زمامداری موسیقی رادیو را به ارکستر سمفونیک واگذار کنند و آنها از این طریق نقش دژ موسیقی رادیو داشته باشند، او در نامه‌اش چنین می‌نویسد:

«... چنانکه ملاحظه می‌فرمائید جواب اداره کل انتشارات و تبلیغات برای دوام و بقای ارکستر سمفونیک تهران و جلوگیری از آن کافی نمی‌باشد چون کمک به ارکستر سمفونیک و جلوگیری به پیداشدن بودجه نموده‌اند، به عقیده این جانب بهتر است در اطراف یک موضوع اصلی فکر نمود و آن اداره امور موسیقی رادیو می‌باشد، که مدتی است بدون هیچ گونه دلیل منطقی

خود را حفظ نمایند، رزم آرا براساس نامه شماره ۱۳۰۳۷۱ مورخ ۶ شهریور ۱۳۲۹، بررسی موضوع رای به اداره کل انتشارات و تبلیغات واگذار می‌کند و از آنها می‌خواهد به آن پاسخ دهند.

کلیل اداره انتشارات و تبلیغات که در آن زمان فردی به نام بزرگهر بوده چنین می‌نویسد:

«اداره کل اطلاعات و رادیو به طور کلی مأمیانه مبلغ ۱۶۲۰۰ ریال برای پرداخت دستمزد نوازنده‌ها و خواننده‌های ایرانی اعتبار دارد که همه ماهه مبلغی هم کسر می‌آورد و به غیر از این مبلغ، دیناری برای موسیقی اعتبار ندارد. از طرفی اداره کل اطلاعات و رادیو بسیار مشتاق است که بتواند از وجود هیئت ارکستر سمفونیک در رادیو تهران استفاده نماید ولی با نداشتن بودجه کافی متأسفانه فعلاً انجام این امر مقدور نیست. البته هر موقعی بر بودجه موسیقی رادیو اضافه گردید، در درجه اول از ارکستر سمفونیک تهران استفاده خواهد شد.» (شماره ۵۱۳۱/۹۰۹ مورخ ۱۳ شهریور ۱۳۲۹)

رئیس کل دفتر نخست‌وزیر با این پاسخ کار فاش می‌کند که به گریگوریان طی شماره ۱۳۲۷۰ مورخ ۱۶ مهر ۱۳۲۹ می‌نویسد، آب پاکی را روی دست ارکستر سمفونیک می‌ریزد و به آنان می‌فهماند که این مسئله امکان‌پذیر نیست و حل موضوع رای به آینده می‌سپارد، بدین گونه:

«... مطابق گزارش اداره اطلاعات و رادیو با وجود اشتیاق کامل به استفاده از هیئت ارکستر سمفونیک در رادیو تهران، چون اعتبار و بودجه کافی ندارند متأسفانه فعلاً نمی‌توانند نسبت به انجام تقاضای شما اقدام نمایند، لیکن بدهی است هر مقدار به

به وسیله اشخاصی که کوچکترین اطلاعی از فن موسیقی و موقعیت آن در جهان کنونی ندارند، آذاره می شود و در نتیجه کسانی که در وزارتخانه ها و سایر ادارات دولتی رسماً مشغول به کار می باشند و حقوق دریافت می دارند و از موسیقی اطلاعات بسیار ابتدایی دارند و آن را وسیله اشتها خود قرار داده اند و با نوازندگی در رادیو علاوه بر اینکه به حیثیت و آبروی موسیقی ایران لطمه وارد می آورند، بر بودجه کشور نیز تحمیل گردیده اند و موسیقی دانانی که بر طبق اصول و موازین فنی به تحصیل این فن شریف پرداخته و اغلب فارغ التحصیل های هنرستان عالی موسیقی می باشند، بی کار مانده اند...

بنابر آنچه معروض افتاد پیشنهاد می نماید در صورت موافقت، امر مقرر فرماید امور موسیقی رادیو را با بودجه آن مانند گذشته در اختیار اداره کل موسیقی که تنها مؤسسه صالح برای اداره امور موسیقی کشور می باشد قرار دهند تا بودجه فعلی و انتظار به کمک هایی که از طرف آن جناب خواهد شد موسیقی رادیو تهران را از این وضع به صورت آبرومندتری درآورد ...

ضمناً به استحضار عالی می رساند که مبلغ ۱۶۲۰۰ ریال که در نامه شماره ۵۱۳۷۹۰۹ اداره انتشارات و تبلیغات به عنوان بودجه موسیقی ماهانه رادیو تعیین شده، اشیاء به نظر می رسد؛ زیرا به طوری که اینجناب اطلاع دارد به هر یک از دستجات ارکستر ایرانی رادیو که تعداد آن بالغ برده دسته می باشد، ماهانه بیش از این مبلغ پرداخت می شود.

گریگوریان در این نامه به شدیدترین وجه موسیقی رادیو و شاگردان وزیری و خائقی را مورد حمله قرار می دهد و چون اظهارات رازیس سؤال می برد، حاجعلی رزم آرا دستور تشکیل کمیسیونی در بازرسی دربار را می دهد و می خواهد که به این شکایت با حضور مظعن موسیقی رسیدگی شود.

هیئت متشکل از بزرگمهر (رئیس تبلیغات)، دکتر فرهمندی (مدیر کل نگارش و هنرهای زیبا)، کتلل علینقی وزیری، رویگ گریگوریان، مهدی ایرانی و ایزدینا (بازرس نخست وزیری) شکایت را بررسی می کنند. این هیئت پس از شور و مشورت و تصمیم گیری لازم، در نهایت همان نتایج قبلی را که به طور شماری و نه عملی از سوی دربار برای موسیقی رسانه ای منظر بوده به گریگوریان اعلام می دارند و با تنظیم نامه ای که از سوی بزرگمهر صورت می پذیرد، نتیجه را طی نامه شماره ۶۷۸ مورخ ۱۷ مهر ۱۳۲۹ به گریگوریان اعلام می نمایند که:

«... چون اصلاح امور و ترقی سطح موسیقی کشور همواره مورد توجه و علاقه مخصوص می باشد و این اداره از نظر احیای صنعت موسیقی و همچنین تنظیم برنامه جالب و آبرومندی جهت استفاده شنونده های گرام خود مایل است از ارکستر سمفونیک تهران نیز که تحت هدایت و رهبری شما اداره می شود استفاده

نماید. بنابراین خواهشمند است نظریات و پیشنهادات خود را با در نظر گرفتن اوضاع و احوال و کیفیت و چگونگی و طرز استفاده از ارکستر سمفونیک هر چه زودتر به اداره کل انتشارات و تبلیغات اعلام دارید تا با فرصتی که در طی ماه های تعطیل (محرّم و صفر) برنامه موسیقی رادیو تهران در پیش است، پیشنهادات و نظریات مزبور مورد مطالعه و دقت کامل قرار گرفته و در اصلاح وضع برنامه موسیقی رادیو که تجدیدنظر کلی مورد نظر است ملحوظ گشته و با تشریک مساعی شما برنامه آبرومند و جالبی به منظور استفاده کامل شنونده های از موسیقی شرقی و غربی تنظیم گردد.



ارکستر انجمن ملی موسیقی، به رهبری روح الله خائقی و به خوانندگی غلامحسین پان

ایشه ضمن برنامه جدید سعی خواهد کرد از موسیقی ایرانی حداکثر استفاده را نموده مخصوصاً تا جایی که ممکن باشد از **خواننده ها و خواننده های فعلی رادیو استفاده نماید!**

این موضوع که رویبک گریگوریان که بود را از زبان مؤلف کتاب به رهبری هر نفسی حثاته بی می گیریم:

«گریگوریان به رغم شهرتی که در موسیقی کشور دارد، آهنگساز چندان معتبری نیست و خاطره موسیقی کشور، هیچ اثر ماندگار و قابل تحسینی را از آن به یاد نمی آورد. محتوای موسیقی او از حیث هارمونی و ارکستراسیون اهمیت چندانی ندارد و اگر از وی برای آن پیشاپ باشد، مربوط به ملودی ها و ترکیب آنهاست که این مورد از نظر همکاران و همه موسیقی دانان هم عقیده با گریگوریان، نکته اصلی موسیقی تلقی نمی شود. طرفداران موسیقی غربی، فقط برای ارکستراسیون و هارمونی ارزش قائلند، که گریگوریان مهارتی در این زمینه نشان نداده است. نکته ای که ارزش هایی چند برای گریگوریان به ارمغان می آورد، این است که او، یکی از اولین آهنگسازانی بود که به گردآوری موسیقی

فولکلوریک ایران پرداخت. (زاهدی، ۱۳۴۹: ۱۱۱)

لیما مرحوم استاد مرتضی حسانه در این باره هم به کار گریه‌گویان ایراد بجا و درستی دارد. ایشان گفته‌اند: «اما ایرادی که موسیقی رویک دارد این است که، شاید چون او ارمنی است و طبعاً روحیه و خلاقیتش هم پیرو اصل و نسب اوست، موسیقی‌اش خیلی رنگ و بوی ارمنی دارد و حتی هنگامی که یک کار مثلاً گیلکی را تنظیم کرده است، باز هم انگار یک قطعه ارمنی می‌شودیم و به همین دلیل کارهایش ملیت ندارد و نمی‌توان آن را روی هم رفته موسیقی ایرانی دانست.» (همان، ۱۱۲)

### تأثیرات ورود فرهنگ و سیستم‌های خارجی به ایران در همه زمینه‌ها شتاب یافته بود، به همین سبب ارتقا تجهیزات فنی رادیو در دستور کار قرار گرفت. همزمان با آن و پس از آنکه خانم گریدی - سرپرست امور رادیویی اتحادیه کلوپ زنان آمریکا - طرز کار با دستگاه‌های جدید ضبط صوت را آموزش داده، نخستین دستگاه در اداره موسیقی کشور به راه افتاد.

در سال ۱۳۳۹ اداره کل هنرهای زیبا تئیس شده مکانی نیز با عنوان اتحادیه موسیقی دانان ایران به وجود آمد که گریه‌گویان ریاست هیئت مدیره آن را عهده‌دار بود و هنگامی که نتوانست برای ارکستر سمفونیک جایی در رادیو پیدا کند، به‌شور همزمان سعی نمود با وارد شدن به موسیقی هتلی و کافه‌ای و اعتراض نمودن به حضور خارجی‌ها به جای به کارگیری نوازنده‌های ایرانی، قدرتی به ارکستر سمفونیک و هنرستان عالی موسیقی بدهد و به جای آنکه به هیئت موسیقی چلیبد معترض شود، به دنبال راهی برای به دست آوردن درآمد بود و بدین گونه اعتراض نمود.

امیدین وسیله جناب‌عالی راه‌بوضع رفت‌باز موسیقی دانان ایران که بر اثر اشتغال موسیقی دانان خارجی‌آبه کارهای مختلف موسیقی، از هتلی ساقط شده‌اند و با عاقله خود بلاتکلیف و پریشان می‌باشند معطوف می‌دارد و از طرف ایشان استدعا دارد امر و مقرر فرمایند مقامات مربوطه نسبت به ابطال پروانه اقامت موسیقی دانان خارجی که در چند ماهه اخیر به ایران وارد شده‌اند

اقدام فوری بنمایند و از ادامه اشتغال آنها به کارهای مختلف موسیقی جلوگیری به عمل آورند تا موسیقی دانان ایرانی که عمر خود را صرف تحصیل موسیقی نموده‌اند و به بهترین وجهی از عهده نواختن موسیقی خاخر برمی‌آیند و در این کار تخصص دارند و با این ترتیب احتیاجی به وجود موسیقی دانان خارجی در کافه‌ها نمی‌باشد، بنوانند با خاطری آسوده در کشور خویش زندگی نمایند.»

طرح این مسئله با دستور نخست وزیر در گردهم‌آیی نماینده‌های وزارت کار (مهندس کیا)، شهربانی (سرهنگ مهدوی)، انجمن موسیقی دان‌ها (علی محمد خادم میثاق) و هنرستان عالی موسیقی، مطرح و در تاریخ ۸ شهریور ۱۳۳۹ در محل وزارت کار چنین تصمیم گرفته می‌شود که از ورود و کار این نوع موسیقی دان‌ها جلوگیری شود، اما سرهنگ مهدوی مسائل پشت پرده را رو می‌کند و تصمیمات دربار و شاه و مسئله تصمیم‌گیری کمسیون مورخ ۵ بهمن ۱۳۳۸ را عنوان می‌نماید و اینکه نباید آن را نادیده بگیرند.

مسئله تبصره ۳ ماده یک قانون کار و پروانه کار خارجی‌ها پیش کشیده می‌شود و اینکه آنان اجازه مخصوص وزارت کار را دریافت نکرده‌اند و باید حتماً این کار از سوی صاحبان هتل‌ها صورت گیرد. ضمن آنکه انجمن موسیقی دان‌های ایران متمنع می‌شود که از نظر معرفی موسیقی دان‌های مجرب به برای هتل‌های درجه اول و لرفضی خاطر صاحبان آنان، نهایت سعی و کوشش را به عمل آورد. (سند شماره ۹۳۶)

وزم از اوقتی از ماجرا اطلاع می‌یابد، دستور تشکیل جلسه دیگری را برای اخذ تصمیم نهایی صادر می‌کند و این بار نماینده‌های وزارت کار، وزارت فرهنگ و نخست‌وزیری در تاریخ ۱۳ شهریور ۱۳۳۹ جمع می‌شوند و بنابر نامه شماره ۲۶ مورخ ۱۶ شهریور، این گونه به نتیجه می‌رسند.

در مستندخی است امر و مقرر فرمایند اداره کل شهربانی به موجب تصمیماتی که درصورت جلسه ضمیمه گرفته شده، از صدور جواز اقامت موسیقی دانان خارجی خودداری نمایند و نسبت به نماینده پروانه اقامت موسیقی دانان خارجی که تاکنون در ایران ثبت‌شده است به کار بده‌اند اقدام نمایند، بلکه بدین وسیله تحت گروجات مخصوص آن جناب موسیقی دانان ایرانی را بلاتکلیفی و سرگردانی نجات یابند.

علی رئیس کل شهربانی - سرنایب محمد دلفری - در پاسخ به مصوبات جلسات و اعلام نخست‌وزیری سخنانی را م تذکر می‌شود که بی‌تاگر اهداف جریان غرب‌گرایان، دربار و محمدرضاشاه است و به‌طور مشخص از نامه و متن پاسخ پیداست که این جریان خلط چنگونه پس از آن به حضور خود ادامه داده است او در نامه شماره ۱۷۷۲، مورخ ۵ مهر ۱۳۳۹ به



خالقی

نخست وزیر این گونه می نویسد:

«مطابق صورت مجلس تنظیمی در تاریخ ۱۳۳۸ که با حضور نماینده های وزارت کشور، خارجه، فرهنگ و کار تشکیل شده است، نظریه داده که چون ممکن است از وجود نوازنده های متخصص خارجی برای ترقی فن موسیقی در ایران استفاده شود، با ورود عده محدودی از نوازنده های مرد خارجی به شرط اینکه فقط در مهمانخانه های درجه اول طبق قراردادهای رسمی مشغول کار شوند با رعایت مقررات مربوطه موافقت و نسبت به تمدید پروانه اقامت موسیقین های خارجی هم که فعلاً در ایران مقیم می باشند شهرتانی کل با توجه به مقررات قانون ورود و اقامت اتباع خارجه و بر طبق قراردادهایی که با هتل های درجه اول منعقد می نمایند اقدام شود و مادامی که به موجب مقررات قانون فوق مجوزی برای خودداری از تمدید در بین نباشد، پروانه اقامت آنها تمدید می گردد. با مراتب معروضه انجام تقاضای آقای رویک گریگوریان منوط به نظر مقام نخست وزیر خواهد بود که هر نوع تصویب و ابلاغ فرماید از همان قرار رفتار شود.»

بی گمان چنین پاسخی دست رزم آزاد را می بست؛ زیرا او نمی توانست قانون و مفاد آن را تغییر دهد و موسیقی دانان وقت هم بی به گته مسئله برده بودند. رواج غرب و فرهنگ آب پاهر شکل و نوع در دستور کار بود و عده ای با این جریان همسو شده بودند. عده ای کج دار و مریض رفتار می کردند و جامعه معترض مانند سایر کار خود را انجام می داد. کار این موسیقی جدیدالورود به زد و خورد اهل محل و درگیر شدن با رواج دهنده های فرهنگ غرب کشید، چند کافه مورد حمله قرار گرفت و نخست وزیر تنها کاری که توانست انجام دهد این بود که طی دستوری مستقیم به مدیر هتل پالاس نوشت:

«... از ساعت ۲۲ به بعد، تراختن موزیک به دلیل سلب آسایش همسایه ها و ساکنان مجاور هتل ممنوع می باشد و این دستوری می شود برای تمامی هتل ها و کافه ها!!»

در فاصله این جنجال ها سپهری اولین مسئولی بود که به فکر جداسازی تشکیلات رادیو از اداره انتشارات و تبلیغات افتاد و پیشنهاد کرد که اداره ای با عنوان **اداره کل اطلاعات و رادیو** با زیر ساخت سازمانی زیر تشکیل شود:

- رئیس
- قسمت دفتر
- قسمت حسابداری و کارگزینی
- اداره رادیو
- اداره خبرگزاری پارس
- اداره اطلاعات
- قسمت تبلیغات اسلامی
- ادارات شهرستان ها

- شورای عالی تبلیغات

- شورای نماینده ها و وزارتخانه ها

- شورای تبلیغات خارجی

- شورای تبلیغات اسلامی.

که روز اراغی نامه شماره ۱۸۵۵ مورخ ۱ شهریور ۱۳۳۹ با این

مسئله موافقت کرده و چنین نوشت:

«... موافقت حاصل است سمت شما فعلاً کفالت و معاونت

اداره کل مزبور می باشد.»

ادامه دارد

#### منابع:

- خالقی، روح الله (۱۳۸۰). سرگذشت موسیقی ایران، تهران، صنی عیاشیاد.
- میرعلی نقی، سیدعلیرشا (۱۳۷۷). موسیقی نامه وزیری، تهران، معین.
- سینتیا، ساسان (۱۳۶۶). تاریخ تحول ضبط موسیقی در ایران، اسفهان، نیندا.
- اندیخ زاده الهی (۱۳۸۱). گلیانگ مغرب اب با ناینگ مغرب، تهران، نی.
- زاهدی (تورج، ۱۳۶۹). به رهبری روحانی حاتل، تهران، فیلم.
- نصیری، حبیب الله (۱۳۷۲). مردان موسیقی سنتی ایران، تهران، راد.
- خطیبی، الهودیه، خانم (بی تا). از هنرستان تهران، معین.
- نواب صداب (سیداحمد)، ۱۳۷۸). قصه شمع، تهران، البرز.
- مهاجر، محمد و بر خوردار، ایرج (۱۳۷۹). مجموعه نوازهای ما و نشانه ها، تولید دفتر جشنواره تولیدات رادیو.

